

**خانم من خیلی عاطفی است
ولی به عنوان مظهر خشونت
معرفی شد. ایشان دو کتاب
در باره حضرت زهرا(س) نوشته اند
که واقعاً یادم هست تمام
یادداشت ها با اشک نوشته می شد.
این نوشته ها با دل ارتباط داشت**



اما من چرا باید با زیاده خواهی، از حکومت مطالبه حقوق فوق العاده کنم. مسکن کالایی برای تجارت نیست. مسکن حقی است برای آسایش افراد. هر چند که باید بگویم مردانی که زندگی سالم دارند مرهون زنانی هستند که زیاده خواهی نکرده اند. بزرگترین نعمت برای یک مرد این است که زنی معتدل و قانع داشته باشد. البته نمی خواهم گناه زیاده خواهی مردان را به گردن زنان بیندازم. عکسش را می گویم. شما از دید یک مقام دولتی بگویید وقتی زیاده خواهی ها را می بینید چه می کنید؟

اگر در جایگاه کاری باشم سعی می کنم تعادلی ایجاد کنم. نظام پرداخت فعلی ما غلط است و واقعاً باید اصلاح بشود. ما این را نتوانستیم اصلاح کنیم. شهید بهشتی نسبت حقوق ها را حداکثر یک به سه قابل تحمل می دانستند و بیشتر از آن را نه. ما برابری سوسیالیستی را نمی خواهیم ولی تفاوت در این حد زیاد هم قابل قبول نیست. ما فضایی را درست کردیم به اسم مدیران و مدیریت. در سال های ۷۳ به بعد که می گفتند باید مدیران را راضی کرد. اما حالا به این تبعیض های گسترده رسیده ایم.

برداشت من همیشه این بوده که حکومت کردن در جمهوری اسلامی فرق می کند. ممکن است حسن قدرت طلبی افراد ارضا شود، اما شهوت مالی آن ها را نباید این گونه ارضا کنند. جمهوری اسلامی جایی است که مسئولان باید ببینند که مایه بگذارند، در ازای مایه ای که مردم می گذارند. این را ساختاری باید درست کرد. البته من در کار، این افراد را به کار نمی گیرم. این جور آدم ها هیچ وقت دور و بر من پیدا نمی شوند.

آقای الهام! حقوق شما چقدر است؟
من از سال گذشته در دانشگاه نیمه وقت بوده ام و نیمه وقت حقوق می گیرم. از وقتی که به دولت آمدم تا به حال هیچ حقوقی دریافت نکرده ام. جالب است بدانید وضعیت رئیس جمهور هم مثل من است و ایشان هم از دولت حقوقی نمی گیرند.

سؤال آخر هم این که بعضی ها مخصوصاً مخالفان دولت می گویند شما را از دفتر ریاست جمهوری دور کردند! نظر تان چیست؟
من چنین ذهنیتی به آقای رئیس جمهور ندارم. اصلاً نیاز به دک کردن من نبود. من به خود آقای احمدی نژاد هم گفتم هر وقت بحث تغییر پیش بیاید من حرفی ندارم. عوض هم نمی خواهم بشوم که مثلاً اگر از این قسمت رفته حتماً در جای دیگر مشغول به کار شوم. اگر کسی بهتر از من جایی پیدا شود حتماً باید به آن تحویل بدهند و جایگزین کنند. کنار رفتن از مسئولیت برای من سنگین نیست.

البته وزارت دادگستری از اول هم مطرح بود. سال ۸۴ آقای احمدی نژاد به من گفت سه جا برایتان در نظر دارم: دادگستری، معاونت پارلمانی و دفتر ایشان اولویتشان دفتر بود. حالا نمی دانم شاید ایشان در دفتر با من رودر بایستی داشتند. حجت را هم بر هم تمام کرده بودیم که چیز پوشیده نداشته باشیم. ایشان در روز تودیع صحبت هایی کردند که مرا هم شرمند کرده اند.

احساسی خواهید داشت؟
از این چیز ها خوش نمی آید. یعنی این ها چیزی نیست که در ذهن اثر مثبت بگذارد. هر کس شخصیت ویژه خود را دارد. بعضی ها دوست دارند با این حرف ها دیگران را تخریب کنند. این مسأله بدی است. این شیوه حمایت از خودم را دوست ندارم. شما در وزارت دادگستری امواتان را اعلام کردید. سه دانگ یک منزل صد متری در شهرک آزادی کیلومتر ۴ جاده کرج و یک پیکان مدل ۸۳. چه طور می شود فردی که از سال ۵۹ تا کنون بی در پی مسئولیت و مدیریت های مایه ای کلان داشته؛ سه دانگ خانه و یک پیکان داشته باشد اما یک نفر که فقط عضو هیأت مدیره یک شرکت دولتی است به اندازه تمام دارایی شما در آخر یک ماه حقوق بگیرد؟!

ما وضع فوق العاده ای نداریم. الان احساس من نسبت به مردم جور دیگری است چون مراجعات مکرر دارم. مشکلاتی که در درون خانواده ها و افراد هست ذهن مرا مشغول می کند. می خواهم بگویم که سختی های زیادی در درون مردم می گذرد، فقر، بیماری، مشکلات بهداشتی و زندگی و خواسته هایی که برای یک زندگی خوب باید باشد و سرپرست خانواده برای تأمین آن ها مشکل دارد. همین حالا که من در خانه خودم زندگی می کنم فکر می کنم خیلی مرفه و نمی دانم این حق هست یا نیست؟ من با آن مردم دچار مشکلات خودم را می سنجم نه با یک مدیر مرفه.

به نظرم یک مسئول باید خوبیدن راحت را در جامعه ای که گرسنه در آن وجود دارد فراموش کند. وقتی مشکلات مردم را می فهمیم واقعاً نمی دانم چطور می شود به فکر اندوخته و مال و منال باشیم. خیلی ها به من گفتند خانه را باید تعویض بکنی.

در شهریور ماه امسال به خاطر مطلبی که در یک سایت اینترنتی منتشر شد، در یک روز تقریباً تمام روزنامه ها، سایت ها، شخصیت های سیاسی و صداوسیما و... به همسر شما حمله کردند و از ایشان انتقاد کردند. آن روز چه احساسی داشتید؟

من دوست داشتم آزاد می بودم، حرف می زدم و از حق دفاع می کردم. بخصوص که بخشی از این کم لطفی، ناشی از من بود. بالاخره در این مسأله شما عنصر عاطفه را هم ببینید، اما مصلحت بالاتر است. واقعاً شرایط سختی بود. هم از لحاظ روحی سخت بود و هم از لحاظ تکنیکی که نمی توانستم چیزی بگویم. مثلاً من ارتباط خانم را با پدرش می دانستم. خانم من خیلی عاطفی است ولی به عنوان مظهر خشونت معرفی شد. ایشان دو کتاب درباره حضرت زهرا(س) نوشته اند که واقعاً یادم هست تمام یادداشت ها با اشک نوشته می شد. این نوشته ها با دل ارتباط داشت و محبت اهل بیت علیهم السلام با آن عجیب بود.

این خصوصیت را ایشان در ارتباط با پدرشان هم داشتند. در یک شرایطی پدر چیزی می نویسد که علیه دختر تلقی می شود، نمی دانم می شود این حس تلخ را منتقل کرد یا نه؟ البته خداوند تفضل و کمک کرد. این هم شاید به خاطر یک مصلحت بالاتری تشخیص داده شده بود. آدم در این مسائل قرار بگیرد چه باید کند؟ سعی کردم سکوت کنم. ولی امیدوار بودم این احساس منفی به خانم دست ندهد باشد که یک بی تفاوتی را در من حس کند. آدم وقتی که در فشار قرار می گیرد حمایت عمومی خیلی موضوعیت پیدا می کند. البته آدم های بزرگ از تنهایی هراسی ندارند، ولی هر انسانی نیاز به حامی دارد.

شما اگر این مطلب را در یکی از روزنامه ها بخوانید که راه دکتر الهام از همسرش جداست، چه